

نگاهی جزایی به روش‌های اصلاح مجرمان در اسلام و ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۱/۱۱، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۳/۱۲)

یوکابد رضایی

چکیده

پیشگیری از جرم موضوع مهمی است که در حقوق کیفری، جرم‌شناسی، سیاست جنایی و علوم اجتماعی و حتی در برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دولت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. در کنار پیشگیری از جرم، اصلاح مجرمین نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اصلاح مجرمین از مباحث علم حقوق بوده و به این معناست که اصلاح و تربیت مجرم هدف اصلی از مجازات است. سخن از اصلاح مجرمین مربوط به فلسفه و کارکردهای مجازات است که در طول تاریخ به موازات اعمال مجازات نگرش‌های متعددی درباره آن مطرح بوده است و امروزه اغلب تحت عنوان کیفرشناسی مطالعه می‌شود. در ایران، نهادهای مختلفی اعم از قضایی و اجرایی برای اصلاح و بازپروری بزهکاران ایجاد شده است که از جمله آنها می‌توان به زندان، کانون‌های اصلاح و تربیت، بیمارستان‌های روانی برای بزهکاران دارای اختلال روانی و سازمان بهزیستی اشاره کرد. اصلاح افراد جامعه و بخصوص اشخاصی که در نتیجه ارتکاب جرم و بزهکای فاسد شده‌اند و به نوعی برای جامعه خود مضر می‌باشند یکی از اهداف هر نظام و حکومت می‌باشد، دین اسلام به عنوان دینی که مدعی است توانایی اداره یک جامعه را دارا می‌باشد نیز برنامه‌های جامع‌تری را به این منظور تدارک دیده است.

واژگان کلیدی: اصلاح مجرمین، بازدارندگی از جرم، کیفرشناسی، پیشگیری از جرم،

مجازات جایگزین حبس

مقدمه

فکر اصلاح مجرمان امر تازه‌ای نیست و از قدیم الایام وجود داشته است. شیوه‌های گوناگون برای نیل به این مهم مطرح شده است که آنها را می‌توان در سه دسته مطرح کرد. دسته نخست اصلاح از طریق کیفر است؛ توجیه این روش گاهی با نوع عقاید خرافی همراه است بدین معنا که کیفرها ارواح خبیثه را از فرد دور می‌سازند. گاهی تبیین‌های دیگری از نوع روان‌شناختی شرط‌گرایی یا شناختی از اصلاح توسط مجازات ارائه شده است. دسته دوم اصلاح در ضمن مجازات کردن است، این دسته از روش‌ها مبتنی بر اجرای کیفر با نفوذ در شخصیت مجرم و تعلیم و تربیت او و آماده ساختن او برای ورود به جامعه با پرهیز از هر گونه رفتار ناپسند است.^۱ محور عمده این روش‌ها حبس است که در ضمن آن برنامه‌های بازپروری نیز به اجرا درمی‌آید. دسته سوم شیوه‌هایی است که بدون اعمال هرگونه کیفر می‌کوشند تا فرد را درمان و تربیت و اصلاح کنند. در این مقاله قصد داریم به بررسی جزایی روش‌های اصلاح مجرمان در اسلام و ایران بپردازیم.

بخش اول: اصلاح مجرمان از طریق اعمال کیفر

نقش اصلاحی کیفرها را می‌توان در هدف اصلی کیفرها و نیز دادرسی عادلانه کیفرها و همراه ساختن اجرای کیفرها با مکانیزم اصلاحی و تربیتی و سرانجام استفاده بیشتر از مجازات‌های تربیتی و تأدیبی در سیاست جنایی اسلام مورد بحث و بررسی قرار داد. معمولاً از جمله اهدافی که برای نظام کیفری و قوانین جزایی بیان می‌شود، هدف اصلاحی و تربیت مجرمان است که کمیت و کیفیت و حتی گاه اصل وجود آن مورد بحث فراوان قرار گرفته است. برخی اساساً منکر هدف اصلاح‌کنندگی مجازات‌ها هستند، از نظر اینان مجازات برای سزادهی و در نهایت بازدارندگی فرد و جامعه از ارتکاب جرم وضع و اجرا می‌شود، اما اصلاح خواه به معنای به‌سازی و تربیت اخلاق مجرم و خواه به معنای بازپروری، امری است که نباید از کیفرها انتظار

^۱ - گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۵، حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ص. ۴۳.

داشت و مجازات چنین کارکردی ندارد، نفی اثر اصلاحی کیفرها، مؤید به برخی یافته‌ها و دیدگاه‌های روانشناسی نیز هست، روانشناسان معتقدند که تنبیه و مجازات تنها اثر بازدارندگی دارد و هیچ گونه تأثیری در یادگیری رفتار بهنجار ندارد. اثر مجازات این است که رفتار نامطلوب را به طور موقت و برای مدتی واپس می‌زند ولی رفتار تنبیه شده همچنان در خزانه ذهنی فرد باقی می‌ماند و به مجرد کنار رفتن یا تضعیف عامل تنبیه، رفتار نامطلوب مجدداً ظاهر می‌شود.^۱ افزون بر این برخی روانشناسان مانند اسکینر معتقدند که مجازات اثر مخرب دیگری همچون تنفر شخص مجازات شونده از مجازات کننده، تقلید و یادگیری شاهدان مجازات، پرخاشگری فرد مجازات شده را نیز به همراه دارد.^۲ در نقطه مقابل، عمده‌ای دیگر از فیلسوفان و روانشناسان به اثر اصلاحی کیفرها اذعان دارند، قدیمی‌ترین دیدگاه‌ها در این زمینه مجازات را عامل تطهیر و تهذیب روحی و یا معنوی مجرم می‌داند که موجب نجات و رستگاری او می‌شود. در دوران جدید، این امر توجیه روانشناسی نیز یافته است بدین معنا که هنگام ارتکاب جرم فرد احساس گناه می‌کند. اما با مجازات شدن به نوعی آرامش درونی می‌رسد، البته هر چند نتیجه از بین رفتن عذاب وجدان کاهش تشویق‌ها و اضطراب‌ها و در نتیجه کاهش ارتکاب جرایم بیشتر است، از دیدگاه اسلامی نیز از جمله کارکردهای مجازات‌ها، تهذیب و تزکیه و تطهیر شخص مجرم است که البته متفاوت از معنای یاد شده است. برخی دیگر کارکرد اصلاحی مجازات‌ها را به مفهوم بازپذیری اجتماعی شرطی شده می‌دانند. بر طبق این نظریه هدف از مجازات، ارائه آموزش‌های اخلاقی به مجرم و آگاهیدن او از خوب و بد امور نیست، بلکه هدف ایجاد عادت و ثبات رفتاری نسبت به رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است.^۳ هدف تربیت شهروندی سازگار است، حتی اگر نداند یا باور نداشته باشد که شهروند سازگار بودن و رعایت قوانین و مقررات اجتماعی امری مستحسن و پسندیده است. با تأمل در متون اسلامی می‌توان اهداف و کارکردهای گوناگونی برای کیفرها یافت، کارکردهایی همچون

^۱ - سیف، علی اکبر، ۱۳۷۱، روانشناسی پرورشی، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول، صص ۴۷۵ و ۴۷۴

^۲ - همان، صص ۴۷۲-۴۷۴

^۳ - ا.ج. اینیک، ۱۳۷۵، جرم و شخصیت مجرم، حسن پاشا شریعتی و جعفر نجفی زند، تهران، سخن، چاپ اول، ص ۲۱۸

سزاده‌ی، بازدارندگی، حمایت از جامعه، ترمیم و جبران خسارت و اصلاح مجرم. آن چه مهم است این است که کدام یک از این اهداف و کارکردها بر دیگری مطلوبیت بیشتر و ارجحیت دارد؟ در این صورت آن هدف برتر چیست؟ و چندین سؤال دیگر. نظام کیفری اسلام جزئی از نظام کلی اجتماعی اسلام است، مهمترین هدف اسلام که مورد تصریح قرآن و روایات است اصلاح است که در قالب تعبیری همچون تزکیه، تذهیب، تعلیم و نیز اصلاح بیان شده است و ثمره آن در قرب الهی انسان‌هاست که تکامل حقیقی آنهاست همه نظامات اجتماعی اسلام چنین هدف عالی را دنبال می‌کنند نظام تعلیم و تربیت خانواده، نظام اقتصادی و... همه قوانین را بر اساس این هدف طرح ریزی شده‌اند که انسان به عالی‌ترین کمال حقیقی خویش نائل شود و هر آن چه انسان را از این هدف باز دارد فاسد و باطل است. بنابراین هدف نظام حقوق کیفری اسلام نیز اصلاح به مفهوم فراهم آوردن موجبات تکامل و سعادت حقیقی انسان است. بنابراین اگر قوانین کیفری، انسان را هر چند مجرم از این هدف باز دارد فاسد و باطل است. از سوی دیگر در نظام کیفری اسلام جرم نوعی گناه است که علاوه بر این که مانعی در راه تکامل فرد مجرم است مانعی برای تکامل دیگر انسان‌ها نیز می‌باشد. به همین جهت در شأن قرآن و روایات نوعی ظلم به خویشان است و اولین بزه دیده در واقع خود مجرم است. باید توجه داشت مجرمی که مجازات می‌شود، همچون یک شهروند است و انسان سالم و ناکرده بزه است و در سرای آخرت از بابت این عمل هیچگونه مانعی برای سعادت او فراهم نخواهد شد. برخی از پژوهشگران هدف اصلاحی و تربیتی در نظام حقوق کیفری اسلام نه برای یکایک مجازات‌ها بلکه از روندی که برای کیفرها وضع شده است، استخراج و تحلیل کرده‌اند. بدینسان هر چند قصاص مجازاتی است که مجرم را از میان برمی‌دارد.

بخش دوم: دادرسی کیفری اصلاح‌گرا

در سیاست جنایی اسلام، اصلاح و تربیت مجرمان دارای آن چنان اهمیت و ارزش والایی است که نظام دادرسی کیفری را نیز تحت شعاع قرار داده است. اساساً اهداف و اغراض قانونگذاران تنها در قوانین، ماهوی تجلی نمی‌یابد، بلکه قوانین شکلی نیز تحت تأثیر این اغراض وضع و

اجرا می‌گردد. به عنوان نمونه قانونگذاری که به اصلاح مجرمین می‌اندیشد و می‌داند این مهم چندان با مجازات‌ها حاصل نمی‌یابد می‌کوشد تا به جای استفاده از قاعده تعقیب اجباری، از قاعده مقتضی بودن و موقعیت داشتن تعقیب مدد جوید تا اگر تعقیب نسبت به برخی مجرمین به ویژه نوجوانان و مجرمانی که برای بار اول مرتکب جرایم سبک می‌شوند، سودمند نباشد. از مکانیزم‌هایی چون بایگانی کردن پرونده و تعلیق مدد جویند.^۱ با مطالعه سیستم دادرسی کیفری اسلام می‌توان دریافت که توجه اسلام به اصلاح مجرم در قواعد کیفری اسلام نیز نحو دار گشته است. در این جا به نمونه‌ها و شواهدی اشاره می‌شود:

(۱) اعراض، تجاهل، توجیه و ناخوشایندی نسبت به اقرار مجرم

اقرار از جمله ادله بسیار قوی در سیستم دادرسی کیفری اسلامی است. اقرار از سویی بیانگر نقش مجرم در اثبات جرم است.^۲ از سویی دیگر در قالب موارد حکایت از ندامت و پشیمانی مجرم از کرده خویش دارد به گونه‌ای که می‌توان اقرار را نوعی توبه مجرم قلمداد کرد حقیقت این است که اقرار مجرم اگر هم توبه او به شمار نیاید آغازی مبارک برای بهبود و اصلاح اوست. در این جا باید توجه نمود که متهم در یک سیستم قضایی کیفیت مواجهه نظام عدالت کیفری با این اقرار است اگر بنا بر این باشد که به صرف اقرار، فرد در معرض مجازات قرار گیرد معمولاً مجرمان از آن طفره می‌روند ولی اگر اقرار او مایه عفو و گذشت و یا تخفیف در مجازات او باشد، مجرمان از این راهکار بیشتر بهره می‌برند و بهتر می‌توان آنها را اصلاح و تربیت نمود.^۳

۱- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران، همت، ۱۳۷۶، ص ۸۳

۲- حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت و دانشگاه تهران، ۱۳۸۳،

۳- آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بنیادین، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳

(۲) دعوت گواهان به بزه‌پوشی

از جمله راه‌های کشف و اثبات جرم، شهادت گواهان است که در نظام دادرسی کیفری اسلام نیز با شرایطی مورد پذیرش قرار گرفته است با وجود این متون اسلامی شاهدان جرایم را از سوی امر به معروف و نهی از منکر از جرم به شیوه مؤثر و پسندیده موظف نموده است. از سوی دیگر بزه‌پوشی و استتار جرم و فاش نساختن آن را حتی الامکان ترجیح داده است. و از همه مهمتر این که اساساً متون اسلامی، با نهی کردن از تجسس و از پی‌جویی عیب‌ها و انحرافات افراد زمینه گواه بودن جرم را در بسیاری از موارد از میان برداشته است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: لا تطلبوا عثرات المؤمنین، فان من نتبع اثرات اخیه نتبع الله اثراته و من نتبع اله عثراته لیفضحه و لوفی جوف بیته.^۱ در جستجوی لغزش‌های مؤمنین نباشید پس بدرستی که هر کس در جستجوی لغزش برادر مؤمنش باشد خداوند لغزش‌های او را فاش خواهد کرد و هر کس خدا با او چنین کند او را هر چند در درون خانه خود رسوا خواهد کرد. از دیدگاه متون اسلامی اصولاً باید عیب جویان و کسانی که به عمد در صدد کشف جرایم و عیوب مردم هستند، جایگاه و مرتبه بسیار پایین در جامعه و به ویژه نزد حکومت اسلامی داشته باشند. اینان کسانی هستند که با تجسس و عیوب‌جویی و فاش ساختن جرایم افراد و درگیر ساختن آنها با دستگاه عدالت کیفری، فرصت‌های اصلاح و تربیت را از آنها دریغ می‌کنند. امام علی (ع) در نامه مشهور خود به مالک اشتر می‌نویسد: «باید دورترین رعیت از حریم تو و مبغوض‌ترینشان در نزد تو کسی باشد که بیش از دیگران در پی عیب‌جویی مردم است زیرا مردم را عیب‌هایی است که حاکم در پوشاندن آنها از همه سزاوارتر است پس آنچه را که بر تو پوشیده است آشکار ساز زیرا وظیفه تو پاک کردن عیوبی است که بر تو ظاهر گشته و خداوند نسبت به آنچه از تو پنهان مانده است داوری خواهد کرد. پس تا آن جا که می‌توانی عیوب را بیوشان». این کلمات بسیار پر معنا، امام علی (ع) ضمن این که وظیفه حکومت را تطهیر جرایم و گناهانی که آشکار شده است می‌داند و این ناظر به ماهیت اصلاحی اقدامات و تدابیر کیفری

^۱ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۷، ص ۵۳-۵۴

و غیر کیفری اسلام در مواجهه با جرایم است، حکومت را به پرده‌پوشی از جرایم غیر آشکار ملزوم می‌سازد؛ فاستر العوره. در این راستا حکومت معظوف است تا اعتنایی به عیب جویان و به کسانی که در جستجوی جرایم و لغزش‌های مردم‌اند نداشته باشد. بدون شک اگر گواهان بدانند جایگاهی نزد حکومت ندارند از رفتار خود دست می‌کشند برخی بزه‌پوشی در اسلام را در راستای ایجاد فضای طهارت و پاکی در جامعه اسلام تفسیر کرده‌اند.^۱ اگر چنین باشد، که بعید نیست، در واقع زمینه‌سازی برای اصلاح و تربیت آحاد جامعه است چه در جامعه‌ای که در آن فحشاء و منکرات هر چند در گفتار شایع باشد، جو فرهنگی مناسبی برای تربیت و اصلاح افراد وجود ندارد.

۳) سخت کردن اثبات جرم

سخت‌تر کردن اثبات جرم نیز فرصتی بیشتر به مجرم در جهت توبه و اصلاح و تربیت و دور ساختن فرد از برچسب خوردن است. درست است که اقرار جایگاه والایی در اثبات جرم دارد ولی همچنان که در سیره کلامی و رفتاری ائمه ملاحظه می‌شود می‌توان اقرار را به گونه‌های مختلف مخدوش و بر اثر ساخت. حتی اگر اقرار به درستی صورت گیرد حاکم ملزم به مجازات نیست. در مورد شهادت نیز شرایطی برای گواهان لحاظ شده است. که راه را برای اعتبار مطلق شهادت می‌بندد و در مواردی افراد را از شهادت دادن منصرف می‌سازد زیرا نتیجه شهادت ممکن است به مجازات خود آنها منجر شود. مثلاً در جرم زنا علاوه بر این که شهادت باید صریح و بی‌ابهام باشد (شرایط عمومی)، باید گواهان چهار نفر باشند و گرنه خود آنها به جرم قذف تازیانه می‌خورند و در فرض که توبه نمایند برای همیشه شهادت آنها پذیرفته نخواهد شد.^۲ تحلیل این روند به ویژه با هدف مقدس اسلام (تعلیم و تربیت) و تأکید بارز اسلام بر هدف اصلاح و تربیت در نظام کیفری، جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌گذارد که نظام دادرسی کیفری اسلام نیز بر همین اساس شکل گرفته است و فلسفه این قوانین نیز همین

^۱ - تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، بیرون، دارالافواء، ۱۴۲۱ ه. ق، ص ۴۴۶

^۲ - فیض، علیرضا، تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۴۱

است. از جمله راهکارهایی که در کاهش استفاده از مجازات و به عبارتی استفاده بهینه از مجازات ارائه شده است قاعده تعلیق مجازات است. اگر چه برخی این نهاد را تأسیس غربی می‌دانند که اندک اندک در نظام‌های کیفری جهان راه یافته است.^۱ ولی به اعتقاد برخی پژوهشگران در نظام کیفری اسلام، مقتضی بودن مجازات اصلی مسلم است که تشخیص آن به دست حاکم شرع است.^۲ این مسئله در مورد تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده که اجرای آنها در دست حاکم است جای هیچ‌گونه تردیدی ندارد. در مورد حدود نیز شریعت مکانیزم‌هایی گوناگون همچون، توبه، عفو، و... در اختیار حاکم شرع قرار داده که راه را برای گزینش حاکم در اجرای حدود می‌گشاید. البته دیات که بیشتر ترمیم خسارت بزه دیده است از این امر مستثنی است، اگر چه در مورد دیات هم اگر خود بزهکار نتواند توسط عاقله یا از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در مورد قصاص نیز گفتیم که اجرای قصاص و خود قصاص حق حاکم شرع است که می‌تواند در صورت صلاحدید اجرا نکند.

بخش سوم: همراه ساختن اجرای کیفرها با مکانیزم‌های اصلاحی و تربیتی و انسانی

از دیگر مکانیزم‌هایی که در جهت اصلاح مجرم از طریق کیفرها در متون اسلام دیده می‌شود، همراه ساختن اجرای کیفر با مکانیزم‌های اصلاحی و تربیتی و انسانی است، مهمترین مسأله در این زمینه قصد اصلاح و تربیت مجرم و نه تشفی خاطر بزه دیده و انتقام جویی نسبت اوست. این قصد اگر چه امری درونی است ولی از نمودهای بیرونی می‌توان به آن پی برد. به عنوان مثال عدم خشنودی و احساس نارضایتی از اجرای کیفر نشان دهنده آن است که حکومت از سر ناچاری و به قصد اصلاح مجرم دست به مجازات او زده است. این ناخوشایندی نه تنها باید از رفتار و چهره حاکم که از عموم مردم نیز قابل مشاهده باشد. چنین بود که

^۱ - اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، میزان، چاپ سوم، صص ۲۴۱-۲۴۰

^۲ - قیاسی، جلال‌الدین، مبانی سیاست‌های جنایی تشریحی حکومت اسلامی، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی،

امیرالمؤمنین علی(ع) از حضور مردمی که از دیدن شلاق خوردن ابایی نداشته و اخمی بر چهره آنها نمی‌نشست و چنین صحنه‌هایی را خوش می‌داشتند ممانعت می‌کرد.^۱ همچنین است ممنوعیت اجرای کیفر تازیانه در هوای نامناسب و نه در هوای بسیار سرد یا گرم، ضرورت اجرای کیفرها و حدود شرعی دور از منظر و مرآی مردم و حتی در خانه بزهکار، عدم جواز تازیانه زدن بر سر و صورت و جاهای حساس بدن بزهکار مانند اندام تناسلی.^۲ در دو مورد اخیر، توضیح این نکته لازم است که برخی بر اجرای علنی کیفرها تأکید می‌ورزند در حالی که چنین امری به لحاظ شرعی مویدی ندارد. یکی از صاحب نظران در این مورد اعتقاد دارد که عنوان در اجرای حدود در ملاء عام یا علنی به شکلا موجود، اصلاً در فقه مطرح نیست و این در ملاء عام بودن یک اصطلاح فقهی یا حقوقی نیست. نه در قوانین شرع آمده و نه در قوانین عرف. وقتی به منابع فقهی مراجعه می‌کنیم مخصوصاً مسائل جزائی را بررسی می‌کنیم نه در کلمات قدما و نه در کلمات متأخرین. اصلاً موضوعی با نام ملاء عام نداریم، این موضوع اخیراً در بین عده‌ای، بدون این که بررسی شود آیا مبنای حقوقی دارد یا فقهی مطرح شده است.^۳ فراهم آوردن موجبات بازگشت فرد مجازات شده به زندگی اجتماعی همراه با پرهیز از گناه و جرم کسی که مرتکب جرم می‌شود، هر چند مستحق مجازات است تا زمانی که عوامل جرم‌زا او را احاطه کرده‌اند هر آینه امکان بزهکاری مجدد او می‌رود. از این رو صرفاً مجازات نمی‌تواند عامل اصلاح او باشد، بلکه باید تدبیری اندیشیده و اجرا شود که او را از ارتکاب مجدد چنان جرمی باز دارد. از متون اسلامی استفاده می‌شود که وظیفه حاکم این است که تدابیر تربیتی و اصلاحی لازم را برای مجرم فراهم آورد. مثلاً از جمله انحرافات شایع در بین جوانان استمناء است که در روایات مرتکب آن بمثابة کسی که با خود نکاح می‌کند دانسته شده است.^۴ البته در مورد این که آیا مجازاتی نسبت به مرتکب آن وجود دارد یا نه برخی

^۱ - حرعاملی، محمد بن حسن، پیشین، ج ۱۸، ص ۳۳۴

^۲ - منبع پیشین، ص ۳۱۵

^۳ - مرعشی، سید حسن، اجرای علنی مجازات‌ها، پیشین، ص ۷

^۴ - روحانی، سید محمدصادق، الفقه الصادق، ج ۲۵، قم دارالکتاب، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۵۲

روایات آن را نفی کرده‌اند.^۱ برخی منظور از این روایت را آن دانسته‌اند که بر امام تعزیر چنین فردی واجب نیست بلکه حسب تشخیص خود عمل می‌کند. از نمونه‌های دیگری که در متون اسلامی وجود دارد و موید مطلب یاد شده است این که امام پس از اجرای مجازات نسبت به دزدان آنان را تحت اقدامات مراقبتی و حمایتی قرار می‌داد.^۲ حال سؤالی که وجود دارد این است که آیا این گونه تدابیر و اقدامات اصلاحی و تربیتی بر حاکم واجب است؟ بر چه مبنایی؟ بدون شک اگر وظیفه حاکم اصلاح جامعه و کوشش در جهت بسط فرهنگ دینی است، وظیفه او به اجرای مجازات بسنده نمی‌شود و صرف مجازات نمی‌تواند عامل بازدارنده از فسادهای اجتماعی بعدی باشد متأسفانه این بحث در کتب فقهی دیده نمی‌شود تنها برخی از فقها ذیل حدیثی که در ارتباط با به ازدواج درآوردن جوانی که زنا کرده بود آورده‌اند: «و هو تدبیر استصلحه لانه من اللوازم» که مفاد آن این است که این تدابیر از روی مصلحت و نه به عنوان یک واجب دینی برای امام بوده است.^۳ ولی در استفتائاتی که از برخی مراجع معاصر شده است، برخی این وظیفه را با عنوان تادیب و تربیت و برخی تحت عنوان دفع مفسده و یا نهی از منکر و برخی نیز تحت عنوان امر به معروف آن را بر حاکم لازم دانسته‌اند.^۴

بخش چهارم: متناسب ساختن مجازات با نوع جرم و شخصیت مجرم

از جمله مکانیزم‌های اثر بخشی اصلاحی و تربیتی مجازات‌ها، متناسب ساختن مجازات با شخصیت مجرم و نوع جرم اوست که امروزه تحت عنوان اصل فردی کردن مجازات^۵ در حقوق کیفری مورد پذیرش حقوقدانان نیز قرار گرفته است اگر قانونگذار برای جرایم سبک، مجازات‌های شدید وضع کند این نه عدالت بلکه ظلم و چیزی است که جز تنفر و کینه از

^۱ - همان، ص ۵۲

^۲ - طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۱، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ ه. ق. ص ۱۲۵

^۳ - شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۵، قم، مؤسسه اسلامی، ۱۴۱۶ ه. ق. ص ۴۸

^۴ - رهامی محسن، ۱۳۸۱، اقدامات تأمینی تربیتی، نشر میزان، چ اول، صص ۱۶۰-۱۶۲

^۵ - Individualization

قانون و قانونگذار و مجری قانون در ذهن مجرم باقی نمی‌گذارد و آتش لجاجت و انتقام را در او برمی‌انگیزد. افزون بر این و به مرور زمان این خود الگویی برای جامعه فراهم می‌آورد که باید در مقابل جرایم سبک خشونت به خرج داد. در نقطه مقابل مجازات‌های اندک برای جرایم بزرگ و شدید نیز اثر بازدارندگی و اصلاحی ندارد چه حلاوت و فایده جرم بر تحمل درد و رنج اندک حاصل از مجازات می‌چربد. در این جا بایستی علاوه بر تناسب بین جرم و مجازات، نباید به مجرمان به دیدگاه یکسان نگریست، چنانچه جاهل غیر مقصر، مجبور و مضطر مسئولیتی ندارند و مجازات نمی‌شوند، مجرم اتفاقی نیز نباید با مجرم حرفه‌ای و مجرم به عادت یکسان انگاشته شود. به همین دلیل بیشتر مجازات‌های حدی و تعزیری اسلام، به اعتقاد ما نسبت به کسانی اعمال می‌شود که خطرناک، حرفه‌ای، مکرر، و از این قماش هستند.

بخش پنجم: اصلاح مجرمان با استفاده از روش‌های غیر کیفری

راهبردها و روش‌های غیر کیفری اصلاح مجرمان در سیاست جنایی اسلام بسیار بیشتر از راهبردها و روش‌های کیفری اصلاح مجرمان است ولی متأسفانه جز در چند مورد آن، کمتر در مباحث فقه جزایی انعکاس یافته و بیشتر در منابع اخلاقی آن هم نه به شکل تحلیلی و از منظر ارتباط آن با جرایم، مورد بحث قرار گرفته است معمولاً راهبردها و روش‌های اصلاح رفتار به دو گروه عمده فرد درمانی و گروه درمانی تقسیم می‌شود.

۱. توبه

در متون اسلامی نقش توبه در اصلاح و تربیت مجرمان در قالب دو روش پذیرفته شده است نخست پذیرش توبه بزهکار و دیگری توبه دادن بزهکار. توبه در لغت به معنای رجوع و بازگشت و بازگشت از گناه است. معنای اصطلاحی توبه نیز گر چه بسیار است ولی از معنای لغوی آن دور نیست. برخی توبه را به مفهوم پشیمانی و ندامت از انجام جرم و گناه گذشته می‌دانند چه در روایات همین مقدار برای تحقق توبه و عدم تکرار آن کافی دانسته شده است.^۱

۱- مرعشی، سید حسن، ۱۳۷۳، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، میزان، چاپ دوم، ص ۱۰۹

یکی از مباحث مهم توبه در حقوق کیفری، تأثیر توبه در سقوط مجازات است. از سویی توبه به مفهوم اصلاح و تحویل مثبت روحی و روانی و فکری مجرم و بهسازی اخلاقی اوست، و از سوی دیگر مهمترین یا دست کم از جمله مهمترین اهداف مجازات‌ها، اصلاح و تربیت مجرم است، پس با حصول توبه مجرم، مجازات او لغو و بیهوده می‌نماید. به همین جهت برخی معتقدند که از دیدگاه حقوق جزای اسلامی، اگر تغییر و تحول باطنی در مجرم پدید آید و به واقع مجرم اصلاح شود، مجازات او لغو می‌شود.^۱ برخی دیگر معتقدند که توبه مجرم با مجازات کردن او منافاتی ندارد. چه مجرم با ارتکاب جرم مستحق و سزاوار عقوبت گشته است و البته وظیفه او توبه کردن است اما این که با توبه او مجازات از او برداشته می‌شود نوعی تفضل و امتنان و رحمت الهی نسبت به جرم است.^۲ همچنان که گشودن باب توبه نیز امتنان و رحمتی نسبت به اوست. لازمه پذیرش این نظریه این است که در هر موردی که تصریح به تأثیر مجازات در سقوط کیفر شده است، مانند توبه مجرم قبل از دستگیری، حکم به سقوط کیفر می‌شود اما در مواردی که تصریحی به سقوط کیفر نشده، مجازات مجرم جای خود باقی است و دست کم این که مجازات کردن، نامشروع نیست. در سقوط مجازات به سبب توبه او قبل از دستگیری و قبل از اثبات جرم و فاق زیادی بین فقهای امامیه وجود دارد به گونه‌ای که برخی ادعای اجماع و عدم خلاف دارند. دلایلی از قرآن و روایات نیز بر این مطلب وجود دارد از جمله این که خداوند متعال در مورد حد محارب، مجازات توبه کنندگان قبل از دستگیری را استثناء کرده و فرمود: *الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا عليهم*^۳ و در مورد حد زنا نیز چنین حکمی وجود دارد.^۴ و همچنین است از نظر بسیاری از فقها در مورد حد سرقت و نیز سوره مبارکه مائده، آیه ۳۹.^۵ آنچه گفته شد اولاً مربوط به جرایم حق الهی محض یا جرایمی است

^۱ - منبع پیشین، ص ۱۲۱

^۲ - موسوی بجنوردی، میرزا حسن، پیشین، صص ۳۰۵-۳۰۶

^۳ - سوره مبارکه مائده، آیه ۳۶

^۴ - سوره مبارکه نساء، آیه ۱۶

^۵ - ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ص ۳۷۵

که در آنها جنبه حق الهی بر جنبه حق الناسی غلبه دارد. ولی در مورد جرایم حق الناس، مجازات حق بزه دیده است و در صورت مطالبه بزه دیده حاکم باید مجازات را اجرا کند. در این مورد نیز البته متون دینی همچنانکه پیش از این بیان شد دعوت به عفو نموده است مثلاً در صحیحیه محمد بن مسلم آمده است که امام باقر(ع) در پاسخ به سؤالی که از ایشان در مورد عفو جانی یا طرح مجازات او نزد حاکم شده می‌فرماید: این حق توست اگر عفو کنی خوب است و اگر شکایت نزد حاکم ببری حق خود را مطالبه نموده‌ای و حق تو ربطی به حاکم ندارد.^۱ در مورد قصاص و دیات و حدود ناظر به حق الناس قطعاً چنین است، اما در مورد تعزیرات چه باید گفت برخی معتقدند که در تعزیرات نیز در صورت مطالبه صاحب حق، حاکم باید مجرم را تعزیر کند.^۲ ولی با توجه به این که تعزیر به دست حاکم است، مجازات مجرم در صورت توبه او وجهی ندارد و البته توبه او به این است که خسارت بزه دیده را جبران نماید، گرچه در قالب عذرخواهی باشد، و رضایت صاحب حق را جلب نماید.^۳

ثانیاً سقوط مجازات در اثر توبه، اختصاص به مجرمین مزمن (اتفاق، احساس و غیر حرفه‌ای) دارد و نسبت به مجرمین مکرر و حرفه‌ای نمی‌توان سقوط مجازات را استفاده کرد چرا که اساساً تکرار جرم از سوی این گونه مجرمان دلالت بر عدم اصلاح و تحول باطنی آنان دارد و اگر هم ادعای توبه نمایند، ادعای آنان پذیرفته نمی‌شود. البته ممکن است در واقع، بین خود و خدای متعال توبه کرده باشند، این باعث سقوط کیفر اخروی آنان می‌گردد، ولی مانع از کیفری دنیوی آنها نیست. فقها اهل سنت نیز فی الجمله بر این مطلب که توبه نسبت به برخی از جرایم ساقط کننده است اتفاق نظر دارند، گرچه قلمرو و دامنه تأثیر توبه در سقوط مجازات در آراء فقها امامیه گسترده‌تر از فقهای اهل سنت است. فقها اهل سنت در باره این که توبه زنا کار و نوشنده شراب و دزد قبل از قطعیت حد و قبل از دستگیری مجرمان ساقط کننده مجازات

^۱ - محمد بن حرعاملی، پیشین، ج ۱۸، ص ۴۵۴، حدیث دو

^۲ - صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۳۶۳، التعزیر انواع و ملحقاته، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم ص ۱۴۸

^۳ - انصاری، قدرت اله، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵،

عصمت یا خیر اختلاف نظر دارند، حنبلی ها و شافعی ها قائل به سقوط مجازات و حنفی ها و مالکی ها و ظاهریه و گروهی از شافعی ها قائل به عدم سقوط مجازات این گونه مجرمان با وجود توبه آنها هستند. حنبلی ها بر ادعای خویش (سقوط مجازات) به دلایلی تمسک کرده اند، از جمله این که توبه در این گونه جرایم را به توبه در محاربه قیاس کرده اند و گفته اند وقتی در جرم محاربه به نص قرآن مجید قبل از دستگیری و در اثر توبه مجازات محارب ساقط می شود در این گونه جرایم نیز ساقط کننده مجازات باشد.^۱

۲. محروم سازی

روانشناسان از جمله راهبردهای اصلاح و درمان رفتارهای نامطلوب و نابهنجار را محروم سازی می دانند که طی آن فردی که دارای رفتار نابهنجار است از دریافت چیزی که برای او خوشایند و مطلوب است بی نصیب و بی بهره می ماند تا دست از رفتارهای نابهنجار خود بردارد. نوعی از محروم سازی محروم ساختن فرد از تقویت کننده های رفتار نامطلوب است که از آن به محروم کردن از تقویت مثبت^۲ می شود این محروم سازی به دو صورت انجام می گیرد.

الف: فرد از محیطی که در آن تقویت مثبت دریافت می کند بیرون برده می شود.

ب: منبع تقویت مثبت را از دسترس او خارج می کنند.

اثربخشی صورت اول به این است که فرد در محیطی قرار گیرد که حقیقتاً خوشایند او نیست.^۳

از این نوع محروم سازی گاه به محروم سازی انحصاری نیز تعبیر می شود. در صورت دوم که از آن به محروم سازی غیرانحصاری تعبیر می شود، فرد در همان محیط اولیه باقی می ماند ولی از

^۱ - محمد جفال، داود، التوبه و اثرها فی السقاط الحدود فی الفقه الاسلامی، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۴۰۹، صص ۲۰۳-

^۲ - reinforcement Time out from positive

^۳ - سیف، علی اکبر، تغییر رفتار و رفتار درمانی، نظریه ها و روش ها، نشر دوران، تهران ۱۳۷۹، صص ۳۳۳

برخی محرک‌های خوشایند مؤثر در رفتار نابهنجار محروم می‌شود. این روش هم به صورت پاسخ کیفری در قالب تعزیرات و هم به طور گسترده به صورت غیر کیفری در متون اسلامی توصیه شده و به کار رفته است. روش محروم سازی در سیاست جنایی اسلام را می‌توان در تبعید و نفی بلد ملاحظه کرد. تبعید که از آن در متون اسلامی به تغریب یاد می‌شود و نیز نفی بلد، یک مجازات اصلی یا تکمیلی در پاره‌ای از جرایم است.^۱ مثلاً در مورد زنا و سرقت این اجازه به حاکم شرع داده شده است که علاوه بر مجازات حد زانی و سارق را نفی بلد نمایند. از امام صادق (ع) نقل شده است که به هنگامی که فردی زنا کند جلد می‌شود و سزاوار است که امام او را از محلی که در آن جلد شده است به غیر آن محل برای یکسان تبعید نماید و همچنین سزاوار است امام مردی را که مرتکب سرقت شده است و دستش قطع شده است نفی نماید.^۲

۳. احسان درمانی

از جمله پاسخ‌های غیر کیفری ترجیحی (و نه الزامی) اصلاحی تربیتی در سیاست جنایی اسلام احسان درمانی است: البته به یک معنا همه پاسخ‌های پذیرفته شده یا قابل پذیرش در نظام سیاست جنایی اسلام، متضمن احسان و رحمت به مجرمین است ولی احسان درمانی، به معنای اخص کلمه، به مفهوم نیکویی کردن به مجرم و انجام کاری است که نیکو و ارزشمند و به لحاظ اخلاق اسلامی و خوشایند طبع مجرم باشد. مبنای این روش ویژگی‌های فطری و خدادادی انسان‌هاست که هر چند خود خطا کار و بزهکار باشند، تمایل به نیکی‌ها و خوبی‌ها دارند و زمینه‌های روحی و روانی اصلاح و تربیت بزهکاران را فراهم می‌آورد.

^۱ - طیبی، نجم‌الدین، انفی و التغریب، قم، مؤسسه الهادی، ۱۴۱۶، ص ۱۸۱

^۲ - حرعاملی، محمد بن الحسن، پیشین، ج ۱۸، ص ۵۱۵

۴. اشتغال به کار و حرفه آموزی

از قدیمی ترین ایده ها در مورد اصلاح و تربیت مجرمان، حرفه آموزی به آنان است که امروزه هم از قوت و اعتبار زیادی برخوردار است. مفروض این است که علت جرم، بیکاری و نداشتن حرفه ای است مناسب که نیازهای معیشتی را تأمین کند.

۵. خانواده درمانی

از جمله راهبردها و روش های غیر کیفری مرتبط با هدف اصلاح و تربیت بزهکاران، خانواده درمانی که مبتنی بر درمان و تربیت بزهکار در خانواده و از طریق خانواده می باشد. خانواده درمانی گاه به مفهوم بازسازی خانواده و بهبود روابط خانوادگی به منظور فراهم ساختن زمینه های شکل گیری رفتارهای بهنجار نیز به کار می رود. با مراجعه به متون اسلامی می توان دریافت که در سیاست جنایی اسلام استفاده از خانواده و روابط خانوادگی در اصلاح و درمان انحرافات و ناهنجاری ها جایگاه بس مهمی دارد، به گونه ای که نه فقط در بزهکاری اطفال و در جرایم سبک بلکه در جرایم سنگین و شدید هم خانواده درمانی به عنوان یک راهبرد در کانون توجه قرار دارد.

۶. شفاعت

از دیگر گزاره های غیر کیفری که در راستای اصلاح و تربیت مجرمان در سیاست مبنایی اسلام در نظر گرفته شده شفاعت است. شفاعت در زبان عرب به معنی پایمردی به وساطت نزد حاکم و (قاضی) به سود مجرم و گناهکار، به منظور عفو و بخشش خطا و جرم او یا تخفیف در مجازات او می باشد.^۱ ریشه لغوی شفاعت، شفع به معنای ضمیمه کردن چیزی به مثل خودش می باشد، شفاعت بیشتر در انضمام کسی است که حرمت و مرتبه بالاتری دارد به کسی که در مرتبه پایین تری از حرمت و اعتبار است به کار می رود. در نظام کیفری اسلام شفاعت با رعایت

^۱ - محمد ابن منظور، پیشین، ج ۱۷، صص ۱۵۱-۱۵۲

شرایطی امری پذیرفته شده و مستحب است و به این سبب آثار تربیتی و اصلاحی شفاعت است که تأمین کننده مصالح فردی و اجتماعی است.

نتیجه گیری

عوامل متعددی باعث افزایش جرم و بزهکاری در جامعه می شوند که دین شریعت اسلامی تا حدود زیادی این علل را تحت پوشش قرار داده و بیان نموده و به نوبه خود راه حل هایی را برای پیشگیری از آنها و یا برای اصلاح مجرمین ارائه نموده که است. علل و زمینه ای اجتماعی طیف گسترده ای از عوامل را پوشش می دهند که بررسی همه آنها به صورت مجزا و جداگانه در یک مقاله میسر نمی باشد. در خصوص روش های اصلاح مجرمان و بزهکاران باید گفت اسلام دو دسته تدابیر برای اصلاح مجرمین در نظر گرفته است دسته اول تدابیر کیفری میباشند و دسته دوم نیز شامل تدابیر غیر کیفری می باشند. روش های کیفری اسلامی اصولاً مبتنی بر اصلاح و بازگشت مجرم به جامعه می باشند از این رو سیستم دادرسی اسلامی نیز مبتنی بر این هدف سازمان یافته است. اساساً اهداف و اغراض قانونگذاران تنها در قوانین، ماهوی تجلی نمی یابد، بلکه قوانین شکلی نیز تحت تأثیر این اغراض وضع و اجرا می گردد. به عنوان نمونه قانونگذاری که به اصلاح مجرمین می اندیشد و می داند این مهم چندان با مجازات ها حاصل نمی یابد می کوشد تا به جای استفاده از قاعده تعقیب اجباری، از قاعده مقتضی بودن و موقعیت داشتن تعقیب مدد جوید تا اگر تعقیب نسبت به برخی مجرمین به ویژه نوجوانان و مجرمانی که برای بار اول مرتکب جرایم سبک می شوند، سودمند نباشد. از مکانیزم هایی چون بایگانی کردن پرونده و تعلیق مدد جویند. از این رو در پاره از موارد از مجرم و بخصوص در جرائم خاص همچون زنا و یا لواط می خواهد که بزه خود را ببوشانند و آن را انکار کنند و یا از گواهان می خواهد این کار را بکنند. از این روست که خداوند می فرماید: در جستجوی لغزش های مؤمنین نباشید پس بدرستی که هر کس در جستجوی لغزش برادر مؤمنش باشد خداوند لغزش های او را فاش خواهد کرد و هر کس خدا با او چنین کند او را هر چند در درون خانه خود رسوا خواهد کرد. در پاره از موارد نیز اثبات جرم را بسیار سخت می کند و یا اینکه انجام کیفر را با

اقدامات اصلاح گرانه و تربیتی همراه می کند. از نمونه های دیگری که در متون اسلامی وجود دارد و موید مطلب یاد شده است این که امام پس از اجرای مجازات نسبت به دزدان آنان را تحت اقدامات مراقبتی و حمایتی قرار می داد و یا مجازات را با توجه به شخصیت و ویژگی های جسمی شخص اجرا می کرد. روش های غیر کیفری اسلامی شامل توبه، محروم سازی، احسان درمانی، اشتغال به کار و حرفه، خانواده درمانی، شفاعت، شناخت درمانی، عفو و گذشت، معامله اصلاح گرانه، میانجی گری و اصلاح ذات البین، نفرت درمانی، نماز درمانی، الزام به کارهای عام المنفعه، تادیب و تربیت اطفال بزهکار می باشند.



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- اردبیلی، م.ع. ۱۳۷۷. حقوق جزای عمومی. چاپ دوم، جلد دوم، تهران: میزان.
- ۲- آشوری، م. ۱۳۷۶. عدالت کیفری از دیدگاه همورابی، مجموعه مقالات عدالت کی چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- ۳- آشوری، م. ۱۳۷۶. آیین دادرسی کیفری. جلد اول، چاپ سوم، تهران: سمت.
- ۴- آشوری، م. ۱۳۸۲. جایگزین های زندان یا مجازات های بنیادین. چاپ اول، تهران: نشر گرایش.
- ۵- انسل، مارک، ۱۳۷۰؛ دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۶- انصاری، ق.ا. ۱۳۹۵. تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا. چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۷- اینیک، ا.ج. ۱۳۷۵. جرم و شخصیت مجرم. ترجمه ح پاشا شریعتی؛ ج نجفی زند، چاپ سوم، تهران: سخن.
- ۸- بلوک، بارک. ۱۳۹۶. کیفر شناسی. ترجمه ع ح نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران: مجلد.
- ۹- بکاریا، س. ۱۳۷۷. رساله جرایم و مجازات ها. ترجمه م ع اردبیلی، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
- ۱۰- پرادل، ژ. ۱۳۹۷. تاریخ اندیشه های کیفری. ترجمه ع ح نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: سمت.

- ۱۱- حاجی ده آبادی، م.ع. ۱۳۸۰. "پیشگیری از جرم"، دانشنامه امام علی (ع). جلد پنجم، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۲- حسینی، م. ۱۳۸۳. سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول، تهران: سمت.
- ۱۳- دانش، ت. ز. ۱۳۹۸. مجرم کیست، جرم شناسی چیست. چاپ چهارم، تهران: انتشارات کیهان.
- ۱۴- دنیس، ز. (بیتا). جرم و عدالت در سال ۲۰۰۰. ترجمه م رحیمی، تهران: انتشارات گنج دانش
- ۱۵- رهامی، م. ۱۳۸۱. اقدامات تأمینی تربیتی. چاپ سوم، تهران: میزان.
- ۱۶- ستوده، ه. ۱۳۸۴. آسیب شناسی اجتماعی. چاپ دوم، تهران: آوای نور.
- ۱۷- سیف، ع. ۱۳۷۹. تغییر رفتار و رفتار درمانی، نظریه ها و روش ها. چاپ سوم، تهران: دوران.
- ۱۸- شاکری، ا.ح. ۱۳۸۴. قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم، مجموعه مقالات راجع به قوه قضائیه و پیشگیری از جرم. چاپ اول، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- ۱۹- شیخ الاسلامی، ع. ۱۳۹۸. جایگاه یافته های جرم شناسی در تحولات نظام تفینی کنونی ایران. چاپ ششم
- ۲۰- صالح ولیدی، م. ۱۳۷۳. حقوق جزای عمومی. ج ۲، چاپ سوم، تهران: نشر داد
- ۲۱- طالبان، م. ر. ۱۳۷۶. مطالعه تطبیقی در خصوص امر به معروف و نهی ازمنکر و نظارت اجتماعی. چاپ اول، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۳۰- علیوردی نیا، الف. ۱۳۸۳. آنومی شهرنشینی و پیشگیری از جرم. مجموعه مقالات قوه قضائیه

- ۲۲- فیض، ع. ر. ۱۳۸۵. تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام. چاپ اول، تهران: امیرکبیر
- ۲۳- کی نیا، م. ۱۳۷۴۳. مبانی جامعه شناسی جنایی. جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۴- کورا، چ. ۱۳۸۴. شهرنشینی در جهان سوم. ترجمه ف قزایی، چاپ اول، تهران: دانشگاه هنر.
- ۲۵- گسن، ر. ۱۳۹۴. جرم شناسی نظری. ترجمه م کی نیا، چاپ ششم، تهران: مجد
- ۲۶- گسن، ر. ۱۳۷۴. جرم شناسی کاربردی. ترجمه م کی نیا، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۷- گلدوزیان، ا. ۱۳۸۵. حقوق جزای عمومی ایران. چاپ هفتم تهران: دانشگاه تهران.

ب) منابع عربی

- ۱- ابن ابی حدید، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، قم؛ انتشارات کتاب خانه آیت الله مرعشی
- ۲- العاملی، ابی عبد... محمد بن مکی، ۱۴۰۹ق؛ (شهید اول)؛ القواعد و الفوائد، ج ۲، قم، انتشارات مکتب مفید
- ۳- انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۱۸ق؛ المکاسب، ج ۱، قم: انتشارات باقری
- ۴- برقی، احمد بن محمد بن الخالد، ۱۴۱۱ق؛ المحاسن، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه
- ۵- تمیمی مغربی، ۱۴۲۱ ه. ق، نعمان بن محمد؛ دعائم الاسلام، ج ۲، بیروت: دارالافواء
- ۶- حر العاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق؛ وسائل الشیعه، جلد ۳، انتشارات مؤسسه آل بیت الاحیاء التراث

۷- جفال، داود محمد، ۱۴۰۹ق؛ التوبه و اثرها فی السقاط الحدود فی الفقه الاسلامی، بیروت: دارالنهضة العربیه

۸- عبدعلی جمعه حویزی. ۱۴۱۵ ق.، تفسیر نورالثقلین. چاپ چهارم، ج ۳، قم: اسماعیلیان.

۹- عوده، عبدالقادر. بی تا. التشریح الجنایی الاسلام. بیروت: دارالکتب العربی

۱۰- خویی، سید ابولقاسم. ۱۳۷۱ش. مصباح الفقهاء. ج ۱، قم: انتشارات غدیر

۱۱- روحانی، م. ص. ۱۴۱۴ ق. الفقه الصادق. ج ۲۵، قم: دارالکتاب

۱۲- شهید ثانی، ۱۴۱۶ ه. ق. مسالک الافهام. ج ۵، قم: مؤسسه اسلامیة

۱۳- صافی گلپایگانی، لطف الله. ۱۳۶۳ش. التعزیر انواع و ملحقاته، قم: دفتر انتشارات اسلامی

۱۴- طبسی، ن. د. ۱۴۱۶ق. انفی و التغریب. قم: مؤسسه الهادی

ج) منابع لاتین

۱- Ancel, Marc , Social Defense, A modern Approach to Criminal Problems translated by j.wilson , Routlege , London , ۲۰۱۷

۲-H.shneider Richard and Ted Kitchen, Planning for crime prevention, London, Routidge , ۲۰۱۵

۳ - Krohn -Marvin, D, A.Durkheim Ian Analysis of international crime Rate social forces, ۲۰۱۹

۴ - Mclaughlin – Eugene and Muncie – john, controlling crime, hostage publication, ۱۹۹۶

۵-Shofte ,Henry , Crime Prevention Facts Fallacies and the Future ,
Palgrave macmilan , L.T.D.۲۰۱۷

۶- Understanding situational crime prevention, Papered by
Australian Institute of criminology, June ۲۰۱۸

